

ویژه نامه کردستان

در کردستان چه می گذرد؟ صفحه ۷

درباره اعدام دکتر رشوند سرداری

صفحه ۳

صفحه ۵

اخبار کردستان

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

پیکار ۱۸

دوشنبه دوازدهم شهریورماه ۱۳۵۸ بهار: ۱۰ ریال

دست امپریالیسم از استین هیئت حاکمه بیرون آمده (درباره شهادت هرمزگرچی بیانی)

قدرت حاکمه از طریق وسائل ارتباط جمعی که کاملاً در انحصار او می باشد، بر علیه هرمز و سایر مبارزینی که بطرز وحشیانه و ضد انقلابی اعدام شده اند اثر معکوس خواهد داشت. آنها هرگز به هرمز و هرمزها بصورت یک "خائن" و "ضد انقلاب" آنطور که خائنین و ضد انقلابیون معرفی می کنند، بقیه در صفحه ۷

در میان اعدام شدگان گروه اول روز - های اخیر (گروه یازده نفره) که به بهانه اغتشاش در پاوه اعدام شدند، نام شهید "هرمزگرچی بیانی" نیز به چشم می خورد. اعدام ضد انقلابی و فاشیستی او که به بهانه های واهی صورت پذیرفت، قلب تمام دوستان، آشنایان و دانش آموزان او را سخت دردم فزین. نیلینا: ارتجاعی

سرمقاله خلق کرد تسلیم نمی شود

کنور ما و سرنوشت انقلاب توده های ستمدیده ما از جهات متعدد بولبله برنگاه است. فاجعه کردستان یکی از نمودهای عملکرد قدرت حاکمه در رابطه با مسائل حاد جامعه ماست. آنها کوشش می کنند این عملکردهای فاجعه آفرین خود را در زیر شعارها و با هوای بسیار مخفی کنند، از توطئه خارج و داخل و خائنین و... سخن می گویند و با استفاده از حربه عواطف و احساسات دینی مردم ناآگاه می کوشند قضایا را وارونه نشان دهند اما روز بروز حقایق، بیشتر بر مردم آشکار می شود. و توطئه گران واقعی بیشتر افشا می شوند. زیرا "نعل وارونه زدن" ممکن است برای ضد انقلابیون نقابدار داروئی مسکن باشد اما مسلماً درمان نخواهد بود.

خلفهای ستمدیده ایران که سالیان دراز، ستم مفاع طبقاتی و ملی را تحمل کرده اند با شرکت فعالانه در امر انقلاب انتظار داشتند که یک حکومت انقلابی معتقد به نهادهای دموکراتیک جایگزین رژیم دیکتاتوری و وابسته به امپریالیسم شاه گردد و در قدمهای نخستین خود، حقوق ملی خلفهای ستمدیده کنور را به رسمیت بشناسد و امکانات لازم برای استقرار خودمختاری آنها را در چهارچوب ایران واحد، مستقل، آزاد و دموکراتیک هرچه سریعتر و مناسبتر فراهم نماید تا بدینوسیله نیروی به بند کشیده خلفهای ستمدیده در جبین جو آزاد و دموکراتیک بتواند رها شود، شکوفا گردد و متحد با دیگر خلفهای ایران، کشتوری سعادتمند و نیرومند در این گوشه از جهان حیات نوین خویش را از سرگیرد.

اما برخورد قدرت حاکم با مسئله خلفها و بویژه کردستان چگونه بود؟ این بقیه در صفحه ۲

چه کسانی مشمول اعدامهای فاشیستی میشوند

مردم می پردازد. و اعدامی ناجوانمردانیه صورت می گیرد.

در جائیکه دکتر شیخ الاسلام زاده جانی دوران پهلوی بعنوان استفاده از تخصص زنده می ماند دکتر ابوالقاسم رشوند سرداری پزشکی که در حوادث نهاوند، سنندج نرده و گنبد کاووس به کمک مجروحان جنگ شتافته بود این چنین مقابل جوخه اعدام قرار می گیرد.

ما خواهان بررسی این اعدامهای فاشیستی و محکوم نمودن عاملان آن هستیم.

"گروهی از پزشکان و وزیدنتهای بیمارستانهای تهران"

طبق خبری که از رسانه های گروهی مبنی بر اعدام ۹ نفر در پاوه منعکس شد، دکتر ابوالقاسم رشوند سرداری متولد تهران بعنوان محاربه با خدا اعدام گردید. دکتر رشوند سرداری پزشک جراح بیمارستان لقمان الدوله ادهم که تمام زندگی خود را وقف خدمت به خلق در لباس پزشکی کرده بود روز جمعه ۵۸/۵/۲۶ ساعت ۸ شب از تهران غایب شد تا به کمک مجروحان جنگ پاوه بپردازد. (بنابراین هرگونه اتهامی مبنی بر دخالت وی در جنگ ناخواسته پاوه مردود است) ولی ارتجاع بار دیگر به سرکوب خدمتگزاران واقعی

پزشکان و پرستاران بیمارستانهای تهران قاتلین جنایتکار دکتر رشوند سرداری را

رسوا میکنند!

پرستاری بیمارستانهای تهران بعنوان اعتراض به اعدام ضد انقلابی شهید دکتر ابوالقاسم رشوند سرداری پزشک جراحی که در حوادث پاوه به خاطر همکاری با خلق کرد بقیه در صفحه ۴

گردم آسی پزشکان و پرستاران در رابطه با اعدام ضد انقلابی دکتر رشوند سرداری:

امروز گروه کثیری از پزشکان و وزیدنتها و دانشجویان پزشکی و کادرهای

بقیه از صفحه ۱ بقیه سرمقاله

قدرت حاکم که نه مولود به شمر رسیدن انقلاب دموکراتیک ضد امپریالیستی خلقهای ما بلکه حاصل نیمه کاره مانده آن و سازش امپریالیسم با سوزواری لیبرال ونمایند-گان خرده بورژوازی مرفه بود. از همان ابتدا عجز خود را نسبت به خلقها نشان داد و هیچ قدمی سمت حل اساسی آن بر نداشت (و نمی توانست هم بردارد).

خلق کرد که دهها سال سابقه مبارزه سیاسی و نظامی در راه احقاق حقوق عادلانه خود دارد با حسن نیت کامل، در ماههای اول پس از سقوط رژیم شاه، پیشنهاد های عملی و مشخصی را به دولت مرکزی ارائه داد. هدفها و پیشنهادها مشخصاً ضد امپریالیستی ضد فئودالی و در جهت بهبود اوضاع اقتصاد، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی کردستان بود و تمام شرایط تضمین کننده وحدت سراسری ایران در آنها در نظر گرفته می شد و هیچگونه تائید تجزیه طلبی در آنها نمی توانست راه یابد. از پیشنهادها شبکه به هیئت اعزامی دولت به ریاست داریوش فروهر ارائه شد گرفته تا مذاکراتی که با هیئتی بریاست آیت الله طالقانی در کردستان انجام شد و نیز مذاکراتی که هیئتهای کرد با دولت در تهران و در قم با آیت الله خمینی داشتند و بالاخره در بحثها و مقالات و پیشنهاداتی که از سوی گروههای مترقی کرد و غیر کرد مطرح شد، در همه اینها چشم انداز آینده ای دموکراتیک برای خلقهای ایران، منجمله خلق کرد ترسیم می گشت. اما بیبنیم دولت و قدرت حاکم با اینهمه مسائل و پیشنهادها چه برخوردی داشته است؟

- در درجه اول و بطور ریشه ای حق خلق کرد را در تعیین سرنوشت خود و حق خود - مختاری، برسمیت نشناخت.

- قدرت حاکم نه تنها با پیشنهادهای عادلانه ارائه شده، سیاست "از این گوش بگیر و از آن گوش درکن" را دنبال کرده بلکه با این پا آن پا کردن، با عدم اجرای حتی وعده های نیم بند، با حمایت از گروههای مرتجع و دست نشانده مانند قیاده موقت و فئودالهای محلی، با بحال خود گذاردن و باز گذاردن دست ساواکیها و عمال رژیم گذشته در دامن زدن به اختلافات محلی و بوجود آوردن فجایعی مانند برادر-کشی در نقده و ...، راه را بر حل انقلابی مسئله کردستان بطور تمام و کمال بست.

- و هنگامیکه پس از ماهها انتظار و در خواست و پیشنهاد، باز هم خلق کرد همچنان مجدانه به مطالبه حقوق حقه خود ادامه داد هیئتی از طرف دولت بریاست مصطفی چمران راهی کردستان شد. او صریحاً از قیاده موقت عامل بی چون و چرای ارتجاع و امپریالیسم

(بشهادت نامه بارزاتی به کیستنجر وفورده و تقاضای کمک از آنها) حمایت کرده آنها را "همهان دولت ایران" خواندو خطاب به مردم حق طلب کردستان گفت که هم برای بزم آمده است و هم برای رزم! سپس از آن کشتارهای مریوان است و سنجند و سقز

و خاشینی که لباس انقلاب بتن کرده اند، انقلابیون راستین را به تهمت "فدا انقلابی بودن؛" به جوخه اعدام می سپارند... شهادت "گرچی" معلم مبارز و "دکتر ابوالقاسم رشوند" و فوج فوج اعدایمیهای روزهای اخیر در گرمانشاه و نقاط مختلف

هدف از نغمه توطئه در کردستان برای قدرت حاکمه:

- پایمال کردن حقوق عادلانه خلق کرد و دیگر خلقها
- سرکوب کمونیستها و نیروهای مترقی.
- سازماندهی جدید ارتش و آزمایش کارآئی آن.
- منصرف کردن مردم از آشی که در مجلس خبرگان بخته می شود.
- خفه کردن صدای آزادیخواهان و توقیف مطبوعات مترقی.

کردستان خواهد در دناک این فجایع اند. و از سوی دیگر قانونی شوم به اصطلاح افسد علیه امنیت کشور برجاست و در حالیکه مهاجراتی ساواکی و خائن و امثال پر-شار او فقط به خلق لباس محکوم می-شوند و شیخ الاسلام زاده ها از اعدام نجات می یابند، انقلابیونی را در خوزستان و کردستان صرفاً بخاطر کمونیست بودن و دفاع از خواستهای ملی خلقهای ایران، به جوخه اعدام سپرده می شوند، با کسان را صرفاً بخاطر داشتن کتابها و مجلات کمونیستی به زندان می اندازند و... فرماندهانسی مزدور که در تمام مدت انقلاب بروی مردم گلوله باریدند و حتی ۸ روز پس از قیام مسلحانه ۲۱ بهمن همچنان در پادگانهای خود از شاه فراری دفاع می کردند-بر سر کار هستند و سرمایه دارانی که با خون کارگران میلیونها تومان در جیب دارند- مورد احترام اند ولی "دادگاها" ماطور خود را بالای سر کمونیستها و انقلابیو گرفته اند.

قدرت حاکم آتش جنگ را زمانی در سنجج برمی افروزد که طبق اخبار موثق و برخلاف ادعای دستگاههای دروغبراکتی رژیم آن شهر در آرامش کامل بوده است. اقدامات قدرت حاکم طی چند ماه گذشته جو را چنان خساس و فضا را چنان قابل اشتعال در آورده است که با کوچکترین تحریکی یک نقطه از کردستان در جنگ داخلی غرق می شود. قدرت حاکم که "انقلاب را هرگز بوجود نیاورد بلکه سرانجام آنرا بالاجبار پذیرفت" چاره ای ندارد جز آنکه حتی برای اهداف ضد انقلابی خود از نام انقلاب سو استفاده کند چرا که توده ها به چیزی جز به انقلاب ایمان ندارند. این امر در عین حال که نشان دهنده قدرت انقلاب در بین توده ها است خطر بودن سو استفاده از آن را نیز نشان میدهد.

★ ★ ★

انقلاب پرتوان توده ها و قیام بهمن بقیه در صفحه ۴

و محاصره شهرها و دهات کردستان و بسیج توده های ناآگاه تحت عنوان مبارزه با "توطئه تجزیه و الحاد و مفسدین" و جوخه های اعدام برای نابود کردن نیروهای مترقی و کمونیستها و اتهامات ناروا بی-حساب علیه شخصیت های کرد و راه انداختن تظاهرات و شعارهای خونخوارانه و کینه-توزانه و فاشیستی نظیر "حزب دموکرات را به خاک و خون می کشیم" و بعد جوانان بی گناه و پایداران را که عموماً طوسی مبارزات سال گذشته به انقلاب روی آوردند تحت عناوین وهمی و دروغین به کردستان ارسال کردن که با مردم بیگناه را بکشند یا خود کشته شوند ...

خانواده های این پاداران از خود می پرسند که خون این کشتگان بعهده کیست؟ قدرت حاکم برای توده های ناآگاه - که به تدریج آگاه و آگاه تر می شوند- چنین وانمود می کند که مردم پایداران و ارتش را علیه "پالیزبان" ها بسیج می کند. خلق کرد بارها فریاد برآورده است که این یک دروغ محض است اما این دروغ و دروغهای دیگر (نظیر آتش زدن خرمن بوسینه گروههای مترقی و انقلابی و یا تعطیل کارخانه ها به وسیله آنان و یا تهمت زدن به آزادیخواهان که آنها آزادی عشرتکده ها را می خواهند!) را کسان عیناً و با صدای بلند و هر روز تکرار می کنند که صدها آیه و حدیث در حرام بودن دروغ را از حفظ دارند. البته این امر تعجبی ندارد زیرا آنچه تعیین کننده است منافع طبقاتی است نه هیچ چیز دیگر. حقوق عادلانه خلق کرد چنان ثابت و روشن است که با منسوب کردن آن به توطئه های پالیزبان خائن و با انحرافات فلان و بهمان گروه پایمال شدن نیست. امروز، "پالیزبان" ها و "ثابتی" ها درخیا با نه ها و ادارات امنیتی جدید با همان شیوه ها و اهداف گذشته مشغول بکارند (چرا که هم شکنجه و ... وجود دارد و هم کمونیستها و مجاهدین در زندان و تحت تعقیبند)

اعدام دکتر ابوالقاسم (دایوش) رشوند سرداری پزشک انقلابی

سه شنبه ۳۰ مرداد ۵۸ دکتر ابوالقاسم رشوند سرداری جراح بیمارستان لقمان - الدوله ادهم تهران را در پاوه تیرباران کردند .

رادیو و تلویزیون و روزنامه‌های دولتی او را ضدانقلاب نامیدند . حاکم شرع او را محارب با خدا خواند .

دکتر رشوند سرداری یک پزشک انقلابی بود . زندگی او در خدمت خلق بود و در خدمت به خلق شهید شد .

دکتر رشوند سرداری در تمامی روزهای سیاه رژیم شاه خاشاک گل‌گوله‌های امپریالیسم سینه مردم قهرمان ایران را می‌کافت، با کوشش پایان ناپذیر و با اعتقاد به مبارزه خلق قهرمان بر علیه دیکتاتوری و امپریالیسم ، در اطاق عمل در خدمت فرزندان خلق بود . زیر گل‌گوله‌های ارتش و ساواک شاه ، با گروه امداد آیت‌الله طالبانی به نھاوند رفت . و مردم ستم‌دیده آن شهر را یاری داد . نوروز را با زخمیان و مجروحان سنج بود . در سخت‌ترین شرایط به کمک مجروحان گنبد رفت . جمعه ۲۶ مرداد ، ساعت ۸ شب دکتر رشوند از تهران رفت تا به مردم ستم‌دیده پاوه یاری دهد . صبح سه شنبه به موجب حکم حاکم شرع همان گل‌گوله‌هایی که بهترین فرزندان خلق را در دوران دیکتاتوری شاه خاشاک بخون می‌کشید ، دکتر ابوالقاسم رشوند سرداری این فرزند قهرمان خلق را از پای درآورد . دکتر رشوند در فریب‌پاوه خطر را در پیش می‌دید . هر سفر او برای مجروحان خلق پرمخاطره بود . اما این خطر میدان جنگ نبود که دکتر رشوند ۲۷ ساله را از پای درآورد . این پزشک انقلابی را به جرم اعتقاد داشتن به اتهام عضویت در سازمانی سیاسی که با آن نسبت و رابطه‌ای نداشت به خون کشیدند . امپریالیسم هر روز به چهره‌ای درمی‌آید و این بار نیز با نقاب انقلاب فرزندان راستین انقلاب را به خون می‌کشد .

خلق قهرمان در مبارزه با امپریالیسم بیرومندترین فرزندان خود را فدای کرده است و تا پیروزی کامل قهرمانان به این مبارزه ادامه خواهد داد .

گروهی از پزشکان و پرستاران بیمارستانهای تهران :

۵۸/۶/۱

مذهبی قطعات کمیخته‌اش را با بلاطی بهم وصل کرد و لایه‌های ستم‌دیده و انقلابی درون ارتش مانند هم‌فران و سربازان را " سرجای خود " نشاند و با تعقیب و محاکمه کرد . قدرت حاکم علیرغم ادعاهای اولیه خود مبنی بر اینکه " وظیفه ارتش حفظ سرحدات است نه دخالت در مسائل داخلی " ، ارتش را به سرکوب خلق کرد و ادار می‌کند یعنی همان کاری که رژیم شاه می‌کند .

۴ - همزمان با تشکیل " مجلس خبرگان " و تصویب قانون اساسی برای اینکه ذهن مردم متوجه مسائل دیگر نشود و اصلاً نفهمند که چه بر سر آنان می‌آید باید نفهمی‌های دیگر و با سروصدا هر چه بیشتر ساز کرد و با همان " سنگ " پرتاب شده این نشانه را هم زد ! (هر چند دیگر این نشانه در اوضاع و احوال کنونی نشانه مهمی نباشد)

۵ - در رابطه با تحقق همه این هدف‌های ضد مردمی باید روزنامه‌های مترقی را که منعکس‌کننده صدای زحمتکشان اند بست و اجتماعات نیروهای مترقی و آزادی‌بیان و قلم را با هروسبله‌ای از تحریم غیر مستقیم گرفته تا قانون مطبوعات آقای احسان تراقی (فرد سرسیرده رژیم سابق و دوست نزدیک آقای بنی‌صدر که به پاس همین دوستی نه تنها از زندان آزاد شده بلکه به " کار " خود ادامه می‌دهد) و چماق - بدستان و هوجی‌های لومین سرکردگی " زهرا خانم " ها و بالاخره دستگیرگری مسئولین و کارگران و حتی فروشندگان روزنامه‌ها و تهدید به محاکمه آنان ، ممنوع و قدغن نمود . واقعاً چه چیز برای دیو ارتجاع از شعاع نور حقیقت خطرناکتر است ؟

و ... آری ، این است آنچه جریان دارد . اما توده‌های آگاه ، با چشمان باز خویش ، برای ارتجاع و امپریالیسم عاقبت‌خوشتی نمی‌بینند . توده‌های آگاه و نیروهای مترقی نماینده زحمتکشان این وقایع و برخوردها را در سهای تازه‌ای در راه دراز و دشوار پیروزی زحمتکشان می‌دانند . راهی که جز با آگاهی هر چه بیشتر ، با شکل و ایجاد صفوف متحد که هدف از آن تحقیق آرمانهای انسانی و عادلانه کارگران ، دهقانان و دیگر زحمتکشان است ، پی‌موده نخواهد شد . همه باید در چنین راهی که علیرغم توطئه‌ها و نقابهای گوناگون پیروزی و امپریالیسم ، مسلماً به پیروزی می‌انجامد ، قدم بگذاریم . ■

بقیه از صفحه ۲ بقیه سرمقاله

ماه چنان تزلزلی در ارکان رژیم وابسته به امپریالیسم شاه انداخت که بخش‌های مهمی از آن ، منجمله نظام سلطنتی را به زباله‌دان تاریخ پرتاب کرد اما بدلیل ناتمام ماندن انقلاب ، بنیان رژیم وابسته به امپریالیسم نابود نشد و قدرت‌مندان پس از قیام ، تاکنون قریب ۷ ماه است که کوشیده‌اند به ترمیم برخی شکافها و پارگیهای آن اقتصاد و نظام وابسته بپردازند و با مصالح دست‌نخورده و باقی مانده گذشته همان ساختمان را گیرم بنا نمایی دیگر برپا سازند . آری آنها کوشش خود را کرده‌اند اما بدلیل جو انقلابی موجود موفقیت‌چندانی در تثبیت وضعیت نداشته‌اند ، این است که نغمه‌های دیگر ساز کرده‌اند : نغمه توطئه در کردستان و سیج ران توده‌های ناآگاه علیه خلق کرد و علیه کلیه نیروهای مترقی که در سر ، آرمانهای انقلاب‌نویس را می‌پروراند و تا پای جان در راه آن می‌ایستند . اما این نغمه و این دست‌آویز ، باید کدام درد هیئت حاکمه را درمان کند ؟

۱ - خواستهای ملی خلقهای ستم‌دیده که بصورت مانعی در راه گسترش حاکمیت پیروزی و وابسته و همدستان وی درآمد سرکوب شود .

۲ - کمونیستها و نیروهای مترقی و انقلابی که بارها ادعا شده است که یکی دو درصد بیشتر نیستند اما قدرت منطبق و پیگیری آنها در امر انقلاب و روبه رشد بودن پایگاه آنان که عبارت است از طبقه کارگر و دهقانان و دیگر زحمتکشان ، لاسرزه براندام پیروزی و انداخته است ، باید سرکوب شوند . چون این " یک درصد " از آن " ایتنهایی " است که قدرت تاریخی آن - بخواهند یا نخواهند - بر به اصطلاح اکثریت می‌چربد . این است که باید هر چه زودتر ولو با برچسب " ضد انقلابی " هم که شده سرکوب کرد ، و در اجرای این سیاست همراه با هزار خدعه و خیمه شب‌بازی مراکز علنی سازمان‌های انقلابی را - که دستاورد قیام بود - از آنان گرفت .

۳ - ارتش این چماق سرکوب طبقات حاکم دوران گذشته را که با قیام دلیرانه هم‌فران و تاثیر مبارزات توده‌ها در صفوف پائین ارتش ، شدت ترک برداشته و علیرغم تلاشهای فراوانی که تاکنون بوسیله فریب‌ها و تاکتیک‌ها و فلاحی‌ها بکار برده شده هنوز قابل اطمینان نیست . باید با نمایشی دیگر و با تکیه بر فرمان امام و فتوای

خلق کرد خود مختاری می‌خواهد نه جنگ

بقیه از صفحه ۱

پژشکان و پرستاران ۰۰۰

توسط دادگاه انقلاب اسلامی محاکمه و پس از اعدام سیرده شد در خیابان جلوی وزارت بهداشتی اجتماع کرده و با دست داشتن پلاکاردهایی در جهت اعتراض به این عمل غیرانسانی و عکس‌هایی از آن شهید مراسم انزجار و شرف خود را ابراز کرده و از مقامات مسئول دولتی و وزارت بهداشتی خواهان رسیدگی و پاسخ گویی به این حرکت ضد انقلابی شدند

این گردهمایی از یکی دوروز قبلاً اطلاع داده شده بود و همانگونه که انتظار می‌رفت و چندان هم سابقه نیست گروهی عناصر آگاه و کسانی که خواسته و نیازها را جمع کرده و شروع به دادن شمارهای همبستگی خود (حزب فقط حزب الله والله اکبر) کردند .

در این جریان عده‌ای از پاسداران مبلغ در اطراف اجتماع کنندگان جمع شده و ناظر اتفاقات بودند . در این بین به کرات از طرف همان گروه مرتجع که در اطراف محل تجمع بودند الفاظ مسهجن و رکبک به پژشکان نسبت داده میشد و در چندین مورد هم به ابراد ضرب به تظا هر کنندگان انجام مید . ضمناً حدود یک ساعت از طرف گروه مزبور به محتممین اولتیماتوم داده شد که متفرق شوند والا ایشان به زور متوسل شده و آنها را بپراکنده خواهند کرد . به دنبال این حوادث پاسداران برای از هم باسندن اجتماع در خیابان شروع به تیر - اندازی هوایی کردند . با توجه به این جریانات چندتن از پژشکان وارد وزارت بهداشتی شده و با دکتر شامی وزیر بهداشتی شروع به مذاکره کردند . در جریان این مذاکرات دکتر شامی با ابراز تا سفا از اتفاقاتی که در چند روز اخیر افتاده و منجر به شهادت دکتر رشوند شده است قرار گذاشتند که همگی فردا یعنی یکشنبه ۵۸/۶/۴ در محل آملی - تاتر بیمارستان امام خمینی (هزارتختخوابی) جمع شده و با حضور خود ایشان و نماینده دادستان انقلاب اسلامی تهران دلایل و مدارک موجود بر علیه شهید دکتر رشوند اقامه شود تا به اطلاع عموم پژشکان و پرستاران که در حقیقت نماینده‌هایی از کادرهای درمانی ایران هستند برسند و ماهیت واقعی جریانات کردستان بر همه روشن و افشاء شود . ما پیشاپیش می‌دانیم که دلایل اقامه شده هرچه که باشد تغییر حواصل قضیه که اعدام ناجوانمردانه یک پزشک مبارز و متعهد است تغییری نخواهد کرد ولی با

توجه به مباحثه‌ای که شیخ صادق خلخالسی روز قبل (۵۸/۶/۲) با صدای جمه‌پوری اسلامی داشته و با توجه به دلایلی که برای شهادت دکتر رشوند آورده است لازم می‌دانیم که نکات زیر را متذکر شویم :

۱ - اولاً این اولین بار نبود که دکتر رشوند برای رساندن کمک و اقدامات درمانی در مورد مجروحان به یک قسمت از مملکت مسافرت می‌کرد ، چرا که در زمان رژیم کثیف پهلوی هم همراه با عده‌ای از پژشکان و پرستاران از طرف کمیته امداد آیت‌الله طالقانی به شهاوند سفر کرد و در شرایطی که هنوز رژیم پهلوی حاکمیت تنگین خود را اعمال میکرد و کمتر کسی حاضر به قبول چنین مسئولیت خطیری بود به کمک مجروحان حوادث خونین شهاوند شناخت . بعداً با حضور خود در حوادث فروردین ماه سنندج و سپس در گنبد به ادامه رسالت انسانی خویش پرداخت ، مضافاً به اینکه در جریانات قبل از انقلاب شکوهمند بهمن ماه در تمام تظاهرات حضور داشت و حتی روز و روز امام خمینی به ایران مسئول گروه پزشکی مستقر در میدان منیریه بود . بنا براین - صرف حضور در یک شهر یا یک منطقه برای کمک - های پزشکی جرم محسوب نمی‌شود .

۲ - دکتر رشوند بنا به مدارک موجود در ساعت ۸ بعد از ظهر جمعه ۵۸/۵/۲۶ با اتوبوس از تهران به سمت پاوه حرکت کرده و برخلاف گفته شیخ صادق خلخالسی همراه گروه خاصی هم اعزام نشده بود و به تنهایی اقدام به این مسافرت کرده بوده است . دیگر اینکه وقتی دکتر رشوند در تاریخ شنبه ۵۸/۵/۲۷ به پاوه می‌رسد بنا به گفته خود آقای خلخالسی اغتشاشات فروکش کرده بوده است و اوضاع تحت کنترل ارتش و پاسداران بوده و بنا براین درگیری به آن شدت که ایشان گفته‌اند نمی‌توانسته اتفاق بیافتد .

۳ - دلیل دیگر آقای خلخالسی این است که ایشان کرد نبوده‌اند ، ما می‌پرسیم مگر هریزنگ که در یک منطقه کار می‌کنند الزماً باید به زبان همان محل صحبت کنند به این معنی که یک پزشک ترک نمی‌تواند در بلوچستان مشغول به کار باشد چرا که به زبان بلوچی آشنائی ندارد ؟

در رابطه با همین مسئله لازم به یادآوری است که تنها پزشک شهر همراه یک بهار در همان بیمارستان پاوه در روزهای اول جنگ توسط پاسداران کشته شده و در حقیقت شهر بدون پزشک بوده است . باز در ارتباط با همین قضیه آقای خلخالسی گفته است که دکتر رشوند با اینکه کرد نبوده لباس کردی پوشیده بوده است که ما باز سوال می‌کنیم آیا پوشیدن یک لباس می‌تواند دلیلی برای وارد کردن اتهام باشد ؟

۴ - در این مباحثه که آقای خلخالسی به دکتر رشوند وارد کرده سخنان متناقضی وجود دارد به این ترتیب که یکجا ایشان عنوان کرده‌اند که شهید دکتر رشوند عضو حزب دموکرات بوده و از طرف دیگر در جای دیگر عنوان کرده‌اند که ایشان با فداشانی خلق همکاری داشته است . اولاً دکتر رشوند به هیچ وجه با حزب دموکرات یا هر سازمانی در ارتباط نبوده و ثانیاً کسانیکه مختصر اطلاعاتی از جریانات سیاسی و ایدئولوژیک جامعه ما دارند میدانند که مبنای عقیدتی این دو گروه سیاسی متضاد یکدیگر بوده و ارتباطی بین آنها موجود نیست .

۵ - آقای خلخالسی در جریان صحبتشان چندبار به مسئله تجزیه کردستان بعنوان خواست حزب دموکرات و همینطور دکتر رشوند اشاره کرده است که با توجه به دلایل عذیده و اعلامیه‌های متعدد و مباحثه‌های رهبران سیاسی کردستان مسئله تجزیه طلبی اصلاً در مورد این خطه مطرح نیست و تنها خواست خلق کرد حق خودمختاری خلق کردستان در چارچوب ایرانی آزاد ایرانی می‌باشد . بنا براین استاد به چنین دستاویزهایی همان‌ها است که شاه مزدور و همدستان کثیفشانخام می‌دادند .

۶ - در پایان مباحثه شیخ صادق خلخالسی عنوان کرده‌است که این پزشک ستم - های خون مرسی‌ها و پاسداران مجروح را می‌کشیده و داروهای آنها را به سرقت مجسیده و در اختیار اعضای حزب دموکرات قرار میداده که اولاً به این مسئله ثابت گردنی است و نه اینکه این عمل کثیف و غیر انسانی در شان یک پزشک متعهد است که بارها مداقت و ایمان واقعی خود را به خلقها ثابت کرده است . با توجه به دلایل فوق و بسیاری دلایل دیگر ما پژشکان پرستاران و تمام کادرهای درمانی متعهد در جلسه عمومی که فردا یکشنبه ۵۸/۶/۴ در آملی تاتر بزرگ بیمارستان امام خمینی جمع می‌شویم تا شاهد روشنگری حوادث و جریاناتی باشیم که ناخواسته از طرف امپریالیسم و ارتجاع به خلق‌های ایران تحمیل می‌شود .

زنده باد یاد شهیدان بخون خفته خلق
مرگ بر امپریالیسم و ارتجاع وابسته به آن
برقرار باد اتحاد شکوهمند خلقهای ایران

گروهی از پژشکان و پرستاران
بیمارستانهای تهران

۱۳۵۸/۶/۲

اخبار

★ - ۲۹ مرداد

روستائیان شرافتمند و زحمتکش مریوان! اهالی مبارز شهر مریوان!

تشکیل اتحادیه دهقانی مریوان و اورامان و توسعه فعالیت های آنها بهمه شما تبریک میگوئیم . همانطوریکه بارها اعلام داشته ام اعتقاد عمیق من بر اینست که خودمختاری واقعی کردستان در چهارچوب یک ایران آزاد تنها هنگامی عملی میشود که کارگران و دهقانان بتوانند سهم اساسی را در اداره امور به عهده بگیرند. در واقع خودمختاری خلق کرد برپایه اتحادیه های زحمتکشان استوار خواهد بود . امیدوارم روحانیون مبارز در تقویت اینگونه اتحادیه های زحمتکشان بکوشند و بدانند که اهالی می توانند ذکات شرعی خود را در اختیار این اتحادیه های دهقانی قرار دهند زیرا فلسفه و هدف از ذکات شرعی ، مصرف آن در راه آبادانی و ترقی و سعادت عمومی است . چنانکه خود علما اعلام می دانند یکی از مصارف ذکات (فی السبیل الله است) که به مصالح عمومی تفسیر شده. به "فی سبیل اللہ" تفسیر سید قطب مراجعه شود. به امید موفقیت برای همه ملت مسلمان کرد.

سید عزالدین حسینی

۱۳۵۸/۴/۲۷

درگیری بین اتحادیه دهقانی

تلهکو و اربابان منطقه

اتحادیه دهقانی تلهکو که از ۴۸ ده تشکیل شده است یکی از بزرگترین اتحادیه های دهقانی است که توسط زحمتکشان روستا به وجود آمده است . اربابان این منطقه بعد از قیام بهمن ماه و سرنگونی رژیم شاه جلاذ تممیم می گیرند که تا حد امکان نظام ارباب و رعیتی را بشکل سابق مجدداً احیا کنند . در اجرای این سیاست به تاریخ ۵/۱۵ چند کمپاین را به زمینهای روستائیان ده " تازه آباد " وارد کرده و به برداشت محصول اقدام می کنند . اما اتحادیه دهقانی تلهکو بشدت با آنان به مبارزه برمی خیزد و ۱۷ نفر از اربابان رادستگیر می کند که بعداً با گرفتن ۷۰ هزار تومان خسارت آنان را آزاد می کنند . و در ضمن ۲ کمپاین ، ۴ تراکتور ، ۳ لندرو ، ۱ رنجور ، ۱ جیب و یک ژبان را به نفع اتحادیه دهقانی ضبط می کنند . اربابان دستگیر شده توسط اتحادیه دهقانی ، همان هایی بودند که بکمک علی انرف حسان دستگیری، حادثه ده کوقتو را بوجود آوردند.

ارتجاع در شهرهای کرمانشاه ، قمرشیرین ، سرپل ذهاب و کردند بسیاری از مبارزین کمونیست (معلم ، دانشجو ، دانش آموز) را دستگیر کرده و تاکنون تعدادی از آنان را تیرباران کرده است .

★ - ۹ نفری که روز سه شنبه ۴۰ مرداد ماه خبر اعدام آنان در پایوه انتشار یافت به هیچ وجه در جریان درگیریهای پایوه نبوده اند . آنان انقلابیو- نی هستند که از سایر شهرهای منطقه دستگیر شده و از زندان کرمانشاه به پایوه انتقال داده شده و در آنجا تیرباران شده اند .

★ - تعدادی از دانشجویان پیشگام و مبارز کرمانشاه دستگیر شده اند و تعدادی هم از بیم تهاجم ارتجاع به شهرهای دیگر رفته اند .

★ - در جریان درگیریهای پایوه رادیو کرمانشاه به مردم توصیه می کرد معلمینی را که دهقانان و زحمتکشان را تحریک !! کرده اند معرفی نمایند .

★ - در بین تیرباران شدگان مرحله اول (ده نفر) پسر ۱۶ ساله ای بود که فروشنده شربیات مارکسیستی - لنینیستی بوده است .

اخبار سنج

★ - ۵۸/۵/۲۷ - در حدود ۶۰ پاسدار که می خواستند از میان دو آب به سمت سنج و پایوه بروند خلع سلاح شده و از حرکت آنان جلوگیری می شود .

★ - تمام اهالی دهات کنار جاده های منتهی به کردستان ، به نیروهای انقلابی کمک می کنند و در بازرسی ماشین ها آنان را مساعدت می نمایند .

★ - ۵۸/۶/۱ - یک گردان که از سنج به عنوان نیروی کمکی عازم سقر بود (گفته می شود که این گردان دارای ۳۸ عدد تانک بوده است) در ۵ کیلو -

متری سقر با حمله نیروی مردم روبرو گشته و از هم پاشیده می شوند . در این جریان ۱۲۰ نفر از نیروهای نظامی کشته و ۱۵ نفر از مردم شهید می -

رسند . در این میان سلاحهای نظامی توسط مردم ضبط می شود . در رابطه با این درگیری هنتی از ارومیه به مهاباد برای مذاکره می رود ولی

نتیجه ای حاصل نمی شود . نمایندگان کردها در این دیدار ملا رحیم عباسی - رئیس شورای شهر - رحیم قاضی و عده ای دیگر بودند . هیئت ارومیه ای از

نمایندگان خلق کرد دعوت می کند که برای مذاکره به تهران بیایند .

★ - شایع است در مراغه بین ارتش و پاسداران اختلاف بروز کرده و در نتیجه به زد و خورد بین ارتش و پاسداران انجامیده . قضیه از آنجا آغاز

می شود که به ارتش دستور حرکت به سوی مهاباد را می دهند و لسانی ارتشیان " تمرد " می کنند و می گویند ما به برادر کشی نمی رویم .

★ - سنج - ساعت ۲ بعد از ظهر روز یکشنبه ۵۸/۵/۲۸ به این بهانه دروغ و خبر جعلی که گویا کردها زنان سنج را در مسجد جامع شهر گروگان گرفته اند ، فرمان لشکر کشی به سنج صادر شد ! ارتجاع می خواست با

این خبر جعلی که بلافاصله بوسیله استاندار کردستان تکذیب شده بود از احساسات مردم سوخته و آنان را بر علیه خلق کرد برانگیزد .

اعزام نیرو تا صبح روز ۵۸/۵/۲۹ همچنان ادامه داشت . پاسداران و ارتش به محض اشغال شهر ، شروع به خانه گردی و دستگیری مردم در منازل و کوچه و خیابان نمودند ، که تا عصر همان روز تعداد دستگیر شدگان

به ۳۰۰ نفر بالغ گشت . خانواده های زندانیان در استانداری و سپس در دادگستری تحضن نموده و خواهان آزادی عزیزان خود شدند . ضمانت نامی

کتابخانه ها و کتابفروشی ها نیز به اشغال قوای نظامی درآمد . بقیه در صفحه ۶

ما نمی میریم

در زیر تیغ سلطنت پنجاه ساله ننگین
در زیر رگبار مداوم توپ و تانکها
در زیر شکنجه ها و وحشت زندان
ما کشته دادیم و زجر کشیدیم ،
اما هرگز ، هرگز نمردیم .

پای مقاومت سخت توده ها
سنگین و استوار به پیش رفت
و در میانه شطی سرخ
بهمن خونین سرکشید

لیکن ، قیام بهمن مردم ،
وقتی که او ستاره سرخی بر تارکش
نداشت!

در معرض باد های مسموم زمستانی
و در هجوم دستهای سیاه و پنهانی
افول کرد

اینک ، نگاه کن ، ببین
مهاجمان تازه چگونه می تازند :
ورق های دانش تکه تکه می شوند
فریادهای آزادی مردم
میان خیابانها خونین میشوند
و توده های کارگر و دهقان
در اسارتی تازه می آیند .

و مادران داغ دیده دوباره می گویند :
آه ، باز هم شهید!

به مهاجمان تازه بگوئید
ما نمی میریم ،
بر سینه های خویش گلیوته های گلوه را
پذیرائیم

و گلیوته های حلقه زنجیر را
بر دست و پای خویش می پذیریم

لیکن ، هرگز سر بدرگاه چرکین شما
نمی سائیم

ما از تبار تسلیم نیستیم
ما نمی میریم .

می دانیم از اسارت امروز تا آزادی فردا
راهی دراز و خونین است .

می دانیم شخم های شکنجه
بر بدن ما دوباره شیار خواهند کشید

می دانیم فرزندان خاک اسیر ما ،

بر چوبه های دار جای خواهند گرفت
می دانیم باد های متعفن و مسموم ،

برین سرزمین باز خواهند وزید .

می دانیم ، می دانیم . . .

لیکن ، ما نمی میریم ،

ما از تبار تسلیم نیستیم

ما به فردای سرخ می اندیشیم .

۵۸/۵/۲۸

بقیه از صفحه ۵ اخبار

★ - ساعت ۹ شب ۵۸/۶/۵ رادیوتهران خبر اعدام ۸ نفر را در سندج به
جرم قیام مسلحانه علیه جمهوری اسلامی اعلام کرد که دوفتر از آنها که
باهم برادر بودند بنا مهای شهریارنا هیددا نشجوی سال چهارم دانشکده
پزشکی دانشگاه تهران و حسن نا هیدد دانشجوی دانشکده پلی تکنیک تهران
با استفاده از تعطیلات تابستانی برای دیدار والدین شان به سندج
رفته بودند . این دو برادر از دانشجویان فعال و انقلابی بودند و در
سالهای پیش در رژیم شاه در پیشبرد جنبش دانشجویی نقش فعال داشتند .

تلگراف يك پاسدار به والدین خود

پدر و مادر حال من خوب ، اکنون در کردستان بر اثر نا آگاهی به
برادرکشی کشانده شدیم همه دروغ بود . همه فریب ، متمدن ترین ، انسان
ترین افراد در اینجا هستند ، بخدا برادر کرد مهربانترین برادر است
خواهش می کنم این را به همه بگوئید همه اشتباه می کنند حتی رهبر
انقلاب . با ما نهایت انسانیت رفتار می کنند . اصلا نگران نباشید من
برمی گردم . جواب فوری فوری قبول است . فرزندت . . .

اسم و آدرس محفوظ

۱۳۵۸/۶/۳

توده های مبارز!

خواست بحق خلق کرد خودمختاری و ریشه کن
ساختن بقایای ارباب و رعیتی می باشد .

حل انقلابی مسئله ، کردستان تنها با جلب
اعتماد و پشتیبانی توده های کرد و از طریق

برسمیت شناختن حق خودمختاری و حل مسئله ،
زمین بنبغ دهقانان امکانپذیر است .

دولت با سرکوب خونین توده های کرد و
برانگیختن احساسات پاک مذهبی توده ها بر

علیه خلق کرد و اطلاق "تجزیه طلب" و " ضد
انقلاب" به آنان ، نه تنها مسئله ، کردستان را

حل نمی کند ، بلکه با شکاف انداختن بین خلق
های ایران هرچه بیشتر انقلاب را تضعیف

می کند . ارتجاع و فرصت طلبان را در کردستان
تقویت می کند و موقعیت سرپرندگان امپریا -

لیسم را در درون ارتش ، ادارات ، کارخانه ها
و . . . هرچه بیشتر تقویت می نماید .

سا زمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۵۸/۶/۳

دست ارتجاع از کردستان کوتاه

که خالصانه به توده‌های زحمتکش عشق می‌ورزیدند و نسبت به امپریالیسم و بخصوص امپریالیسم آمریکا تخم کینه و نفرت می‌پاشیدند در امان نماندند. آخوندهای مرتجع و "مجاهدین" بعد از انقلاب، تهمتهای فراوانی را نسبت به او وارد نمودند. او را کافر، فاسد، ضد انقلاب و... خواندند. ولی این تبلیغات حامیان سرمایه‌داران نمی‌توانست هرمز را که حامی و مدافع زحمتکشان و بویژه طبقه کارگر بود از میدان بدر ببرد. او بصورت نیمه مخفی به فعالیت خود ادامه می‌داد. در جریان درگیریهای نغده، مریوان و... با جمع - آوری و ارسال غذا و دارو به کمک انقلاب - بیون کرد شتافت و در جهت ایجاد پشت‌بجهه برای خلق کرد از جان و دل مایه گذاشت. هرمز که نمونه‌ای از هزاران انقلابی - کومنیست بود، انقلابیونی که بی باکانه و سازش‌ناپذیر برعلیه سرمایه و سرمایه‌داری وابسته می‌رزمند، توسط ضد انقلابیون مرتجع به اتهام‌واهی اغتشاش و تحریک در پناه درحالیکه اطلاع به پناه نرفته بود از خانه‌اش در کرمانشاه دستگیر شده و همراه با انقلابی دیگر اعدام می‌گردد. آری، شهادت هرمز و هرمزه بدست قدرت حاکمه که در پی تهاجم حسابشده به پناه و بزرگ کردن آن صورت گرفت، در واقع جزو مهمترین و یاشاید مهمترین هدف ارتجاع بود. شکار انقلابیون و بویژه کومنیستها مورد نظر قدرت حاکمه بود و تاکنون در کردستان در موارد زیادی بدان دست‌زده و بازدن انگ "ضد انقلابی" بدانها قلمبهای برپیش‌آنان را که تنها در راه میهن و زحمتکشان می‌طبد، در جهت منافع و مطامع امپریالیسم از حرکت بازمی‌دارد، و اگر انقلابیون و کومنیستها سراسر ایران به طریقی آگاهانه و منسکل به مبارزه با این توطئه بزرگ امپریالیستی و ارتجایی بر - نخیزند، دیر باز در سایر شهرها و نقاط ایران موج کشتار انقلابیون راستین برهبری و با تحریک امپریالیسم و ارتجاع و بدست‌عمال آنها و بعضاً مردم ناآگاه صورت خواهد پذیرفت. پس در جهت مقابله با ارتجاع و امپریالیسم هوشیار و کوشا باشیم.

گرامی باد خا طره هرمزگرچی بیانی و دیگر انقلابیونی که در حوادث اخیرنا جوان مردانه توسط عوامل امپریالیسم و ارتجاع ب شهادت رسیدند.

بقیه از صفحه ۱

● دست‌امپریالیسم از آستین....

نگاه نمی‌کنند. سابقه درختان مبارزاتی هرمز و اعمال و رفتار انسانی و انقلابی او تمام تبلیغات دروغین مدار قدرت را نقش بر آب می‌کند و آنهاش هم که ناآگاه هستند یعنی به ماهیت حکومت و ماهیت انقلابیون حامی زحمتکشان آگاهی ندارند. دیری نخواهد پاشد که آگاه می‌شوند و آنوقت این تغایله‌هاش را که به میوه چینی انقلاب پرداخته‌اند و مستقیم و غیرمستقیم به امپریالیسم جنایتکار خدمت می‌کنند به زباله‌دان تاریخ خواهند افکند. "هرمز" در زمان شاه خاش، هنگامیکه دانشجوی دانشگاه تبریز بود به اتهام خرابکاری (چقدر شبیه اتهامی است که بوسیله رژیم ضد انقلابی کنونی به او زده شد، اتهامی که به شهادت او منجر گشت) توسط ساواک دستگیر و زندانی شد. مدت محکومیت او که نه سال بود سراسر مقاومت دلیرانه برعلیه رژیم شاه و شکنجه‌گران آریا مهری بود. هر قدر هاری و سببیت شکنجه‌گران بیشتر میشد، شدت مقاومت "هرمز" افزایش می‌یافت. او سرانجام بعد از سیری شدن دوران سه ساله محکومیتش با دستی نیمه فلج و اعصابی خرد شده از زندان بیرون آمد. "هرمز" در زمان اوجگیری مبارزات توده‌های مردم در سالهای ۵۷ - ۵۶ با تعداد دیگری از معلمین انقلابی، کانون فرهنگیان کرمانشاه را بنیان گذاشت. در اجتماعات این کانون در افشاکری وسیع برعلیه رژیم و دادن آگاهی و بینش انقلابی به دیگران نقش مهمی را عهده دار بود. او شخصاً به شهرستانهای مختلف سفر می‌کرد و نیز امر توزیع و پخش اعلامیه در سراسر استان به عهده داشت. "هرمز گرچی بیانی" نقشی بسیار فمسال و تعیین‌کننده در شکل و پیشبرد مبارزه سیاسی معلمین و محصلین کرمانشاه عهده‌دار بود و هنگامیکه تعدادی از معلمین مبارز توسط رژیم شاه دستگیر شدند، مخفی شد و مخفیانه به انجام وظایف انقلابی خود و دادن رهنمود به یاران انقلابی خود پرداخت. اما پس از قیام بهمن ماه و سقوط رژیم شاه، با اینکه روز بروز چهره خلقی او و برای نیروهای مترقی و زحمتکشان بیشتر شناخته میشد و مهر او در دل‌های بیشتری راه باز می‌کرد، افزایش موج ضدکومنیستی که در خفا دستهای خونین امپریالیسم آمریکا آنرا راه می‌اندازد، "هرمز" را هم ممنون از ضربات خود نگذارد، همان - طور که سایر مبارزین صدیق و جان برکفی

در کردستان چه میگذرد؟

در رابطه با هجوم ارتش و پاسداران به خلق کرد و اشغال سنج، مردم کردستان برای دفاع از آزادی و حقوق انسانی خود بها خاسته‌اند، کلیه نهروهای سیاسی منطقه که طرفدار آرمان زحمتکشان می‌باشند در یک جبهه "مقاومت متحد خلق" گرد آمده‌اند تا بکمک شیرزنان و شیرمردانی که در شهرهای مهاباد و سنقر و بانه و سردشت به ایجاد هسته‌های مقاومت در مقابل هجوم عوامل ارتجاع و امپریالیسم دست‌زده‌اند بشتابند. طبق آخرین خبرها در مهاباد حتی زنان و بچه‌ها آموزش نظامی دیده و مهیای دفاع از شهر می‌شوند. شیخ عزالدین حسینی رهبر ملی خلق کرد طی نامه‌ای به سازمان ملل وضع دردناک مردم کردستان و توطئه عوامل ارتجاع و امپریالیسم را بازگو کرده است.

در رابطه با اعدامهای اخیر مبارزان در قهرمانشهر (کرمانشاه) و پناه، بایستی بگوئیم که اکثر این افراد عناصر مبارز کومنیست بوده‌اند که در رابطه با گروههای سیاسی طرفدار طبقه کارگر و چریکهای فدائی خلق فعالیت می‌کردند و چند تن از آنان از رهبران اعتصاب معلمین کرمانشاه در زمان شاه خاش بوده‌اند که در رژیم سابق به زندان افتاده بودند. رژیم جدید این عده را فقط و فقط بجرم داشتن عقاید چپی دستگیر و اعدام نموده. بیشتر این افراد اساساً به پناه قدم گذاشته‌اند یوانی ۱۶ ساله که در میان این افراد بود فقط بجرم فروختن روزنامه‌های دست‌چپی اعدام گردیده است.

خلقهای قهرمان ایران برای جلوگیری از کشتار و حشانه مردم کردستان و و افشای دسایس ارتجاع و امپریالیسم بهاغی‌زید!

(رزمندگان آزادی طبقه کارگر)

۱۳۵۸/۵/۳۰

برقرار باد خودمختاری خلقها در چهارچوب ایرانی دموکراتیک

پیام:

عزالدین حسینی

بسم الله الرحمن الرحيم

ملت شریف و مسلمان ایران همه می -
 دانند مسئله شرکت نکردن در رفتارند که آن
 هم به علت مبهم بودن محتوی جمهوری
 اسلامی سوزهای است برای دست اندر کاران
 حکومت ، با وجود اینکه بارها حتی همان
 روزهای اول در روزنامه ها و محامیه ها اعلام
 داشتیم که معتقد به اهداف انقلاب هستیم و
 ایمان راسخ به مبانی دین مقدس اسلام داریم
 ولی اصول قانون اساسی که هنوز تدوین
 نشده و محتوایش معلوم نیست نمی توان در -
 باره آن فتاوت نمود که صدر مدعای و قرائتی
 است . چون در گذشته و حال هم حکومتیایی
 داشته و داریم بنام حکومت اسلامی که کمتر
 به اصول اسلامی دوران عصمت مذهبی خاص
 و اغراض پایبند بوده و هستند . حال که
 مسئله رفتارند به اصطلاح پیراهن عثمان
 شده است که به مناسبت و بی مناسبت به رخ
 ما کشیده میشود و رادیو تلویزیون نیز از
 قول مقامات آنرا تکرار می نماید باید
 بگوئیم آن وقت برای انخاص آگاه و مستقل

محتوای جمهوری اسلامی مبهم بود ! ولی
 حال برای همه کاملاً آشکار است که حکومت
 بسوی دیکتاتوری جدید سوق داده و خفقان و اختناق
 به وجود آورده یعنی استاز این قانون
 اساسی . سلب آزادی مطبوعات و روزنامه ها و
 حمله به کتابخانه ها و نیروهای مترقی و
 مردمی را می توان سهمی از دستاوردهای
 انقلاب اسلامی دانست . حمله عناصر معلوم -
 الحال که از طرف دستگاه حاکمه تقویست
 می شوند و از تظاهرات آرام و برگزاری
 میتینگ و کنفرانس جلوگیری نمودن و ضرب
 و جرح اشخاص بی دفاع را بنام دفاع از حوزه
 اسلام همه جزو مظاهر با شکوه انقلاب
 هستند . پیاده کردن پاسداران غیر بومی در
 مناطق کردستان و در اختصار گذاشتن
 اسلحه به عناصر مرتجع بخاطر ایجاد آشوب
 و بلوا و درگیری یکی دیگر از مظاهر با
 شکوه انقلاب است . اعدام و کشتن افراد
 بی گناه و تیرباران کردن جوانان انقلابی
 عرب و ترکمن و کرد بدون محاکمه فقط به
 جرم آزادیخواهی و مبارزه برای کسب حق
 تعیین سرنوشت نیز یکی دیگر از محتوای
 جمهوری اسلامی است . که می بایست به آن
 رای بدهیم . آری ، دستگیری و بازداشت
 گروههای مختلف از فرزندان راستین خلق و
 آزار و شکنجه و اعدام آنان ایجاد ترس و

وحشت و جنگ روانی و تحریف واقعات نیز از
 مظاهر این انقلاب است . تدوین قانون
 کذب در مجلس خبرگان بجای مجلس موسسان
 و انتخابات فرمایشی و قلبی و ممانعت از
 شرکت نماینده کرد با تهدید و ارباب یکی
 دیگر از نشانه های مساوات و رعایت عدالت
 اجتماعی و توجه به حقوق خلقها می باشد .
 لذا همه می دانیم چرا رادیو و تلویزیون
 بیشرمانه دم از توبیخ کسان می زنند که
 در چنین رفتارند می شرکت نکرده اند و آنرا
 بهانه برای سرکوبی و حمله به ما
 خواهند کرد . ما بار دیگر قاطعانه به ملت
 شریف و مبارز ایران اعلام می داریم که
 خلق کرد تا قبل به حقوق حقه خود یعنی
 حق تعیین سرنوشت برای خود و سایر خلقهای
 ایران در چهارچوب ایران آزاد و مستقل
 سنگر حق طلبانه خود را خالی نخواهند کرد
 و لحظه ای از مبارزه باز نخواهد ایستاد و
 در این مبارزه از کلیه ملت عزیز و مسلمان
 ایران خواستار پشتیبانی هستیم و انتظار
 داریم زبر بوش کلمه مقدس مذهب فریب
 سلسلغات زهرآکین که نتایج ای جز برآورد -
 کشتی و کشتار بکند بگر خواهد بود نخورد .
 والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته .

سیدعزالدین حسینی

۱۳۵۸/۵/۲۱

اطلاعیه و قطعنامه

کلیه پزشکان و پرستاران و کادر
 درمانی بیمارستانهای آموزشی تهران در
 گردهمایی روز ۵۸/۵/۲۱ پس از بررسی و
 مطالعه در احوال دکتر جراح ابوالقاسم
 رشوند سرداری که بشرح زیر است و پس از
 شور و بررسی ، عمل ارتجاعی و ضد انقلابی
 اعدام دکتر رشوند را محکوم نموده و بنا
 دستگیری و محاکمه عامل اصلی جنایت
 هولناک بیمارزه خود علیه ارتجاع ادامه
 داده و خواستار اجرای مفاد قطعنامه زیر
 از تمام مراجع مسئول هستیم :

۱ - دستگیری عاملین جنایت و محاکمه در
 دادگاه علنی با شرکت آزاد مردم و پزشکان .
 ۲ - تامین شغلی پزشکان و احترام به
 ساخت مقدس مراکز درمانی و تضمین قانونی
 آن .
 ۳ - اعلام خیر حقیقی واقعه از رادیو و
 تلویزیون و درج آن در کلیه روزنامه ها و
 وسائل ارتباط جمعی .

۴ - آز کلیه وکلای مبارز و متعهد سراسر
 ایران خواستار دفاع از آزادی بطور عام
 و دفاع از حقوق از دست رفته پزشکان
 بالخصوص دکتر ابوالقاسم رشوند سرداری هستیم .
 ۵ - تا دستیابی به کلیه خواسته های خود از
 بازگشت بسرکار خودداری نموده و در جلس
 وزارت بهداشتی جمع خواهیم کرد (ساعت ۹
 صبح روز شنبه ۲ شهریور)

بدیهی است کلیه بیماراران اورژانس در
 هر شرایطی پذیرفته و درمان خواهند شد .
 ۶ - با توجه به شناخت دقیق از دکت
 جراح شهید ابوالقاسم رشوند سرداری نیازی
 به ارائه مدارک دادگاه ضد انقلابی نداریم .
 زیرا :

دکتر شهید ابوالقاسم رشوند سرداری
 متولد و اهل تهران در هنگام شهادت ۲۷
 ساله و از پزشکان مبارز و انقلابی بوده
 که در تمام دوران انقلاب ایران فعالیت -
 هایش دلیل بر صداقت و ایمان وی به
 پیروزی انقلاب ایران و تعهدش به مردم سبب
 شده بود که از وی انسانی والا و مبارز
 بسازد . در جریان کشتارهای نهانند با
 همکاری گروه امداد پزشک آیت الله
 طالقانی بعد از چند روز جانفشانی ها و

فداکاریهای بی مانندی از خود نشان داده
 است که در روزنامه ها نیز درج شد .
 در جریان کلیه کشتارهای تهران به
 دست رژیم سابق بخصوص روزهای ۲۱ و ۲۲ بهمن
 و روزهای متوالی بعد از آن در بیمارستان
 مجدانه مشغول درمان و جراحی مجروحین
 بوده است .

در جریان کلیه راه پیمائشها بخصوص
 روز ورود آیت الله خمینی ، ایشان سرپرست
 گروه امداد میدان منیریه بوده اند .
 در جریان حادثه سنج برای درمان
 مصدومین همراه گروه امداد بیمارستان به
 آن منطقه رفته اند و از خود فداکاریهای
 زیادی نشان داده اند ، اینبار نیز برای
 انجام تعهد پزشکی و مردمی خویش عازم پاوه
 شد ، اما از آنجا که ارتجاع همواره نکاری
 خادمین بملت است فاجعه آفرید و ناجوانمر -
 دانه این پزشک متعهد را در برابر جوخه
 اعدام قرار داد .
 با توجه بمسائل بالا و با توجه به
 اینکه دکتر نامبرده بهیچ گروه و حزب
 سیاسی وابسته نبوده است ، اعلام وابستگی
 ایشان به حزب دموکرات کردستان نیز بسیار
 احتمال می باشد . ■

نابود باد تو طئه های ارتجاع و امپریالیسم بر علیه خلق کرد